

بررسی تغییرات ادراک انصاف در چرخه‌ی زندگی خانواده

نرگس طاهرزاده^{۱*}، رضا خجسته مهر^۲، عباس امان الهی فرد^۳

۱. کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول).

۲. استاد گروه مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۳. استاد گروه مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵، صفحات ۱۷۳-۱۶۵

چکیده

ادراک انصاف یک متغیر تعیین‌کننده در روابط سالم و رضایت زوجین از زندگی است. روابط منصفانه در طی چرخه‌ی زندگی خانواده به دلیل وجود دوره‌های گذار نوسان دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی تغییرات ادراک انصاف در مراحل چرخه‌ی زندگی (زوج بدون فرزند، زوج با فرزند خردسال، زوج با فرزند نوجوان و زوج در مرحله‌ی میانی زندگی) انجام شد. از شرکت‌کنندگان در پژوهش (۱۲۰ مرد و ۱۲۰ زن) خواسته شد که مقیاس ادراک انصاف (PEM) و پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی محقق ساخته را تکمیل کنند. نتایج پژوهش نشان داد که رابطه‌ی بین ادراک انصاف و چرخه‌ی زندگی خانواده یک رابطه‌ی منحنی است. نتایج تحلیل واریانس عاملی ۲(جنس) × ۴(مراحل چرخه‌ی خانواده)، اثر اصلی گروه بر روی نمره‌ی ادراک انصاف را پشتیبانی نمود، اما اثر اصلی جنس و اثر تعاملی جنس × گروه را تأیید نکرد. بالا بودن روابط منصفانه در مراحل اول و آخر و پایین بودن آن‌ها در مراحل میانی بر حسب تغییرات و بحران‌های مورد انتظار در مراحل چرخه‌ی زندگی تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: ادراک انصاف، چرخه‌ی زندگی خانواده، روابط زوجین.

فصلنامه راهبردهای نو در روان‌شناسی و علوم تربیتی، دوره هشتم، شماره بیست و نهم، بهار ۱۴۰۵

مقدمه

ادراک انصاف ارزیابی ذهنی فرد از برابری در یک رابطه‌ی دو نفره یا بیشتر است و از تجارب پیشین فرد، ایدئولوژی و سرمایه‌ی انسانی شخص در رابطه با دیگری و قضاوت او درباره هزینه‌ها و پاداش‌ها تأثیر می‌پذیرد فریسکو و ویلیامز^۱ (۲۰۰۳). بهترین تعریف برای انصاف این است که آن را حالتی از یک موازنه بدانیم که زمانی به دست می‌آید که برای شرکت‌کنندگان در یک تعامل یا سازمان مشترک نتایجی مناسب با درون‌داده‌هایشان اختصاص یابد. به بیان ساده انصاف آن زمانی در تعاملات بین‌شخصی شایع است که برون‌داده‌هایی (نتایج و پی‌آمدها) که یک شخص از تعامل بین فردی به دست می‌آورد برابر باشند با درون‌داده‌هایی که او در آن تعامل سرمایه‌گذاری کرده است (اسپرچر، ۱۹۶۸؛ به نقل از فرامرزی، ۱۳۸۸).

نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی که اساس نظریه انصاف می‌باشد و در پژوهش‌های مربوط به ازدواج و روابط بسیار نزدیک عنوان‌شده است از نظریه‌ی وابستگی میان فردی تایبوت و کلی^۲ (۱۹۵۹؛ به نقل از خجسته مهر، ۱۳۸۴) گرفته‌شده است و عنوان می‌کند روابط رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، محو می‌شوند و به‌عنوان پیامد^۳ یک فرآیند تبادل اجتماعی آشکار منحل می‌شوند که ممکن است به‌عنوان دادوستد پاداش‌ها^۴ و هزینه‌ها بین زوج‌ها و بین دیگران تلقی شود (هوستون و برگس، ۱۹۷۹؛ به نقل از خجسته مهر، ۱۳۸۴). مطابق نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی حفظ یا انحلال یک رابطه مبتنی بر نحوه تبادل پاداش‌ها و هزینه‌های بین اعضای رابطه است؛ به‌عبارت‌دیگر، حفظ یا انحلال یک رابطه بستگی به این دارد که اعضای یک رابطه چگونه هزینه‌ها یا پاداش‌های مربوط به ادامه یا خاتمه رابطه را ارزیابی می‌کنند؛ بنابراین، حاصل محاسبه آگاهانه و ناخودآگاه هزینه‌ها و مزایای مربوط به ادامه یا خاتمه یک رابطه، وضعیت آن رابطه را تعیین می‌کند. افراد به دنبال مبادلات پاداش‌دهنده هستند و تلاش کمتری را برای حفظ هزینه‌ها در مقایسه با پاداش‌ها می‌کنند. ادراک انصاف یک عامل مهم در روابط سالم است انسان‌ها همواره در روابط اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و زناشویی خود خواستار روابط منصفانه هستند (لامرت، ۲۰۰۳؛ به نقل از کاوند، ۱۳۹۰). ساباتلی و سسیل-پیگو (۱۹۸۵) در تحقیق خود دریافتند که ادراک انصاف بیش از رضایت یا موانع خاتمه رابطه زناشویی، باعث التزام در زندگی زناشویی می‌گردد.

ادراک انصاف باعث افزایش ثبات و هماهنگی رابطه‌ی زناشویی برای زنان و مردان می‌شود هرچند که ادراک انصاف در کاهش ناهماهنگی و افزایش هماهنگی زناشویی تأثیرگذار است اما عواملی مانند فرهنگ، مذهب، چرخه‌ی زندگی، ایدئولوژی-جنسیتی و خلق‌وخو در شدت این تأثیرگذاری دخیل هستند (فریسکو و ویلیامز^۵، ۲۰۰۳؛ گروت و کلارک^۶، ۲۰۰۱).

چرخه‌ی زندگی به‌عنوان عامل تأثیرگذار در ادراک انصاف، طول مدت زندگی خانواده را به قسمت‌هایی تقسیم می‌کند که از لحاظ کیفی نمایانگر دوره‌هایی است که در داخل هرکدام از مراحل شکل خاصی از وظایف و ویژگی‌ها وجود دارد (کاپینوس و جانسون^۷، ۲۰۰۳). شل (۱۹۹۱) چرخه‌ی زندگی خانواده را این‌طور توصیف کرده است. خانواده طی فرایندهای گذار، طی مراحل خاصی، تحول پیدا می‌کند. گذر از یک مرحله به مرحله دیگر هنگامی رخ می‌دهد که در ترکیب خانواده‌ها تغییری رخ دهد و این تغییر باعث تغییر در ساختار خانواده شود. تغییرات ساختی ایجادشده به کارکردهای خانواده تأثیر می‌گذارند. در هر مرحله از

¹. Frisco and Williams

². Thaibaut and clay

³. Result

⁴. Rewards

⁵ Frisco and Williams

⁶ Grote and Clark

⁷ Kapinus and Johnson

زندگی خانواده، صورت‌های متمایز از وظایف انجام می‌شوند که نقش اساسی در رشد فرد و خانواده‌دارند. از دیدگاه دیگر چرخه‌ی زندگی خانواده می‌تواند بر مبنای سه وجه بنا شود که عبارت‌اند از: تعداد ترکیب‌های موجود در خانواده، تعداد فرزندان و غیره (توزیع سنی و دگرگونی نقش‌ها) بخصوص در مورد پدر از زمانی که مشغول به کار است تا هنگام بازنشستگی، و نقش‌هایی که این ترکیب برای والدین ایجاب می‌کند. گاتمن و نوتاریوس^۱ (۲۰۰۰)، چرخه‌ی زندگی خانواده را تاریخچه‌ی زندگی مشترک زوجین در طی زمان تعریف کرده‌اند آن‌ها همچنین نشان دادند که الگوهای تعاملی زوج‌های جوان و مسن با یکدیگر تفاوت دارد؛ بنابراین می‌توان فرض کرد این الگوها ویژگی‌های مشخصی دارند که می‌تواند تحت تأثیر چرخه‌ی زندگی مشترک زوج‌ها قرار بگیرد. برای شناخت میزان ثبات و تحول این الگوها، بهترین روش می‌تواند مطالعه‌ی میزان نوسان این الگوها در طی زمان باشد. نظریه‌پردازان انصاف، عنوان می‌کنند که تغییرات مورد انتظار در ارتباط زناشویی مانند تولد فرزند، نام‌نویسی تحصیلات عالی و غیره، بر سطح انصاف ادراک‌شده در ارتباط تأثیر می‌گذارد. ممکن است در زمان بحران یا تغییر، بی‌انصافی افزایش یابد، باین‌حال با گذشت زمان، باید این نابرابری کاهش یابد زیرا زوجین یاد می‌گیرند تا خود را با تغییر وفق دهند. اگر زوجین مدیریت عدم تعادل را یاد بگیرند حتی می‌توانند به سطح برابری بالاتری نسبت به قبل از بحران دست یابند (هاتفیلد^۲ و همکاران، ۱۹۷۹).

نتایج یک مطالعه نشان می‌دهد که در مراحل اولیه‌ی زندگی زناشویی واکنش زوج‌ها نسبت به انصاف و بی‌انصافی می‌تواند به شکل قابل‌تصور با واکنش زوج‌های با سابقه چند دهه‌ی زندگی مشترک متفاوت باشد (فی‌نی^۳ و همکاران، ۱۹۹۴). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که میزان ادراک انصاف افراد در طی مراحل مختلف چرخه‌ی زندگی خانواده متفاوت است (شیفر و کیت^۴، ۱۹۸۱؛ فی‌نی و همکاران ۱۹۹۴). علاوه بر آن نتایج برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که ادراک انصاف در طول چرخه‌ی زندگی خانواده به‌صورت منحنی U شکل است، پترسون^۵ (۱۹۹۰) در پژوهش خود نشان داد که ادراک مردان از انصاف در طول چرخه‌ی زندگی خانواده به‌صورت منحنی U شکل است. مردان، مرحله پیش‌والدینی و آشیانه خالی را بیشتر عادلانه تلقی می‌کنند. در صورتی که مراحل دیگر، منفعت بیشتر برای مردان به همراه دارد و کمتر عادلانه است. او همچنین بیان می‌کند که منحنی U شکل کمتر برای زنان معنی‌دار است. آن‌ها تقریباً در تمام مراحل به‌جز مرحله فرزند پروری انصاف را احساس می‌کنند. مرحله فرزند پروری منفعت پایین برای زنان به همراه دارد. تراپمن و هاتفیلد^۶ (۱۹۸۳) در بررسی گروهی تخمین زنان ۹۰-۵۰ سال از میزان برابری ارتباطات آن‌ها از ابتدای ارتباط تاکنون به این نتیجه دست یافتند که زنان با حس بهره‌مندی زیاد شروع می‌کنند در طی زندگی زناشویی به این نتیجه می‌رسند که بهره‌ی زیادی نبرده‌اند سرانجام در مراحل آخر ازدواج حس می‌کنند کمی عادلانه با آن‌ها برخورد شده است. همچنین تحقیق جیل سویتز^۷ (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که رضایت از تقسیم‌کار خانگی در طول چرخه‌ی زندگی به‌صورت منحنی U شکل نشان داده می‌شود درحالی‌که رضایت مردان این‌چنین نبوده است. فی‌نی و همکاران (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای متوجه شدند در ادراک انصاف تفاوت‌های جنسیتی وجود دارد. در همه مراحل به‌جز مرحله پیش از والدینی بیشتر محتمل است که بی‌انصافی در ازدواج منجر به پر منفعتی برای مردان و کم منفعتی برای زنان شود.

1. Gottman and Notarius

2. Hatfield

3. Feeney

4. Schafer and Keith

5. Peterson

6. Traupmann and Hatfield

7. jillsuiter

با توجه به نتایج پژوهش‌های پیشین در مورد تغییرات ادراک انصاف در طول چرخه‌ی زندگی و باتوجه به اینکه تفاوت فرهنگی بین جوامع مختلف می‌تواند تغییراتی را در ادراک انصاف (شافر و کیت، ۱۹۸۱؛ تراپمن و هاتفیلد، ۱۹۸۳) در طول چرخه‌ی زندگی ایجاد کند، هدف اصلی این پژوهش بررسی تغییرات ادراک انصاف در چرخه‌ی زندگی خانواده است.

روش پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، زنان و مردان متأهل شهر اهواز بودند. تعداد ۲۴۰ زن و مرد اهوازی از جمعیت عمومی به صورت داوطلب در دسترس در این پژوهش شرکت کردند. افراد گروه نمونه بر اساس تقسیم‌بندی کارتر و مک‌گلدریک (۲۰۰۳) از چرخه‌ی زندگی خانواده انتخاب شدند که شامل شش مرحله است: بزرگسال جوان، زوج جوان، خانواده با فرزند خردسال، خانواده با فرزند نوجوان، خانواده در مرحله‌ی میانی و خانواده در مرحله‌ی پایانی. مرحله‌ی اول، بزرگسال جوان است که به حیطه پژوهش حاضر مربوط نمی‌شود به همین دلیل در نمونه‌گیری مورد استفاده قرار نگرفت. جهت سهولت در نمونه‌گیری گروه ۵ و ۶ با هم ادغام شدند. پس از تشریح اهداف پژوهش و آماده شدن داوطلبان برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها، مقیاس ادراک انصاف و پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته در اختیار آنان قرار گرفت. شرکت‌کنندگان به صورت انفرادی پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. مدت‌زمان لازم برای پاسخ‌گویی به پرسشنامه‌ها برای هر فرد حدود ۱۵ دقیقه به طول می‌انجامد. میانگین و انحراف استاندارد سن گروه ۱ (متأهلین بدون فرزند) ۲۵ و ۳/۷۶ سال، میانگین و انحراف استاندارد سن گروه ۲ (متأهلین با فرزند خردسال)، ۲۹ و ۴/۰۹ سال، میانگین و انحراف استاندارد سن گروه ۳ (متأهلین با فرزند نوجوان) ۳۹ و ۵/۸۶ سال، میانگین و انحراف استاندارد سن گروه ۴ (متأهلین با فرزند ازدواج کرده) ۵۱ و ۶/۳۹ سال می‌باشد.

ابزار سنجش

مقیاس ادراک انصاف^۱ (PEM): مقیاس ادراک انصاف (PEM؛ پری، ۲۰۰۴؛ به نقل از خجسته‌مهر و همکاران، ۱۳۹۱) یک آزمون ۴ سوالی است که ادراک انصاف را در چهار حیطه انجام کارهای خانه، کار کردن برای کسب درآمد، خرج کردن پول و نگهداری از فرزندان در اندازه‌های پنج‌درجه‌ای لیکرت، از نمره ۱ تا ۵ می‌سنجد. پری (۲۰۰۴) پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۰ گزارش کرده است. خجسته‌مهر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود روی نمونه‌ای از کارکنان متأهل ادارات دولتی شهر اهواز، پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و به روش تنصیف ۰/۸۲ و روایی سازه آن را با استفاده از پرسشنامه‌ی ۱۰ سوالی رضایت زناشویی انریچ در سطح $p < 0/001$ گزارش کرده است. در این پژوهش برای سنجش پایایی این مقیاس از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که پایایی آن برای گروه ۱ (متأهلین بدون فرزند) برابر ۰/۷۰، گروه ۲ (متأهلین با فرزند خردسال) برابر ۰/۶۷، گروه ۳ (متأهلین با فرزند نوجوان) برابر ۰/۶۸ و گروه ۴ (متأهلین با فرزندان ازدواج کرده) برابر ۰/۶۹ می‌باشد. پرسشنامه جمعیت شناختی محقق ساخته: محقق این پرسشنامه را به منظور به دست آوردن اطلاعات جمعیت‌شناختی مربوط به افراد گروه نمونه ساخته است؛ که شامل خصوصیات جمعیت‌شناختی از جمله سن، تاریخ دقیق ازدواج، تعداد فرزندان، تعداد فرزندان متأهل، میزان تحصیلات و شغل می‌باشد.

¹. Perceived equity measure

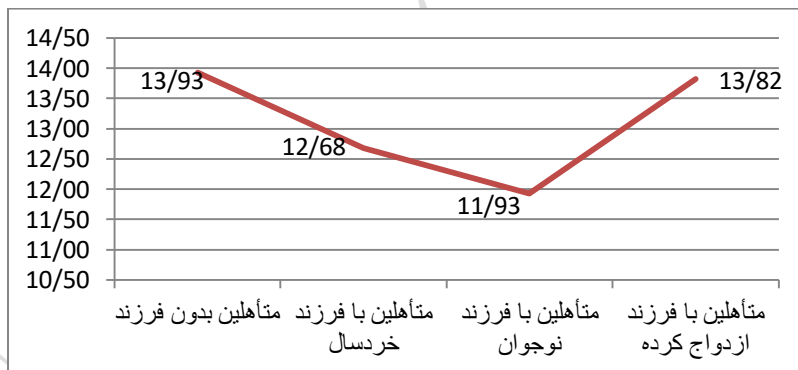
یافته‌ها

جدول ۱، شاخص‌های آماری شرکت‌کنندگان در پژوهش را در مورد نمره‌های مقیاس ادراک انصاف را نشان می‌دهد.

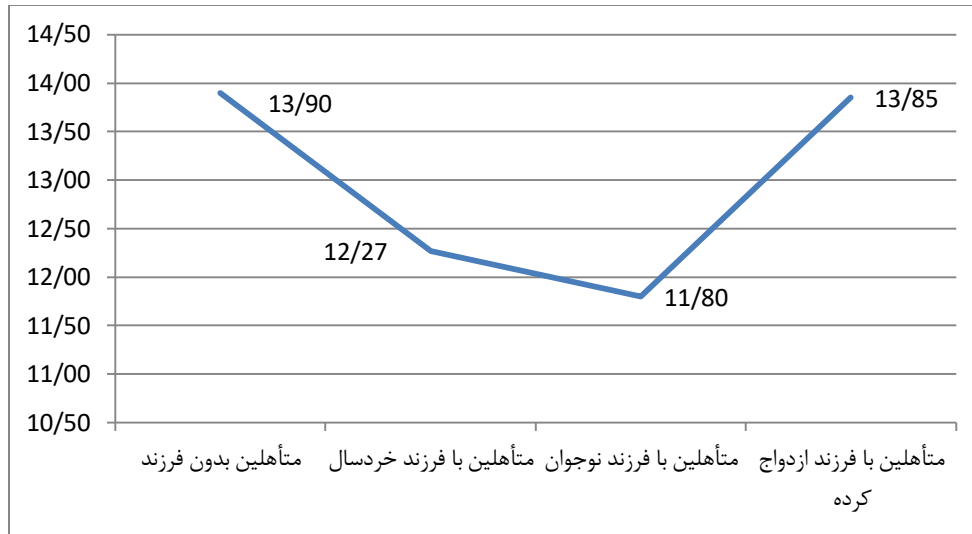
جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیر ادراک انصاف در زنان و مردان گروه‌های چهارگانه

گروه	شاخص	مردان	زنان
متاهلین بدون فرزند	میانگین	۱۳/۹۳	۱۳/۹۰
	انحراف استاندارد	۱/۵۵	۱/۷۶
متاهلین دارای فرزند خردسال	میانگین	۱۲/۶۸	۱۲/۲۷
	انحراف استاندارد	۱/۸۱	۱/۸۶
متاهلین دارای فرزند نوجوان	میانگین	۱۱/۹۳	۱۱/۸۰
	انحراف استاندارد	۲/۵۳	۲/۵۳
متاهلین دارای فرزند ازدواج کرده	میانگین	۱۳/۸۲	۱۳/۸۵
	انحراف استاندارد	۱/۳۹	۱/۲۳

نتایج میانگین ادراک انصاف زنان و مردان را می‌توان در نمودار ۱ و ۲ مشاهده کرد:



نمودار ۱. نتایج میانگین متغیر ادراک انصاف مردان در گروه‌های چهارگانه



نمودار ۲. نتایج میانگین متغیر ادراک انصاف زنان در گروه‌های چهارگانه

نگاهی به نیمرخ ادراک انصاف در طول چرخه‌ی زندگی، بالاترین میزان را در مرحله‌ی اول (زنان و مردان متأهل بدون فرزند) و مرحله‌ی آخر (متأهلین با فرزند ازدواج کرده) نمایان می‌سازد. به‌علاوه کاهش ادراک انصاف با ورود اولین فرزند آغاز می‌شود و سپس در مرحله‌ی نوجوانی فرزندان به پایین‌ترین میزان خود می‌رسد. برای پاسخگویی به فرضیه و سوال پژوهش از تحلیل واریانس عاملی و آزمون شفه استفاده شد.

جدول ۲. نتایج تحلیل واریانس عاملی برای مقایسه میانگین ادراک انصاف مردان و زنان، گروه‌های چهارگانه و تعامل جنسیت و گروه‌های چهارگانه

منبع	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
گروه	۱۷۳/۹۵	۳	۵۷/۹۸	۱۸/۸۷	۰/۰۰۱
جنسیت	۱/۰۸	۱	۱/۰۸	۱/۳۵	۰/۵۵
گروه × جنسیت	۱/۶۳	۳	۰/۵۴	۰/۱۷	۰/۹۱

جدول ۲ نشان می‌دهد که در گروه‌ها، مقدار F برابر ۱۸/۸۷ می‌باشد که این مقدار معنادار می‌باشد ($p=۰/۰۰۱$) و نشان می‌دهد که بین گروه‌های چهارگانه، از لحاظ ادراک انصاف تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین F مشاهده شده جنسیت، معنی‌دار نیست ($p=۰/۵۵$). این یافته گویای آن است که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ متغیر ادراک انصاف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. به‌عبارت‌دیگر، مردان و زنان متأهل از ادراک انصاف تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه‌ها (گروه‌های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی‌دار نیست، که نشان می‌دهد بین گروه‌های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه‌های چهارگانه از لحاظ ادراک انصاف تفاوت معنی‌داری وجود ندارد ($p=۰/۹۱$).

برای آنکه مشخص شود بین کدامیک از گروه‌ها تفاوت معنادار وجود دارد آزمون پیگیری شفه برای مقایسه به‌صورت دوجه‌دو اجرا گردید.

جدول ۳. نتایج آزمون پیگیری شفه مربوط به تفاوت میانگین نمره‌های مؤلفه ادراک انصاف در گروه‌های چهارگانه

جنسیت	گروه	میانگین	متأهلین دارای فرزند خردسال	متأهلین دارای فرزند نوجوان	متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده
	متأهلین بدون فرزند	۱۳/۹۳	۱/۲۲*	۲/۰*	۰/۱۰
مردان	متأهلین دارای فرزند خردسال	۱۲/۶۸	-	۰/۷۵	-۱/۱۳*
	متأهلین دارای فرزند نوجوان	۱۱/۹۳	-	-	-۱/۸۹*
	متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده	۱۳/۸۲	-	-	-
	متأهلین بدون فرزند	۱۳/۹۰	۱/۶۲*	۲/۱۰*	۰/۰۴
زنان	متأهلین دارای فرزند خردسال	۱۲/۲۷	-	۰/۴۷	-۱/۵۷*
	متأهلین دارای فرزند نوجوان	۱۱/۸۰	-	-	-۲/۰۵*
	متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده	۱۳/۸۵	-	-	-

* تفاوت میانگین‌ها در سطح $p < 0/05$ معنی دار است.

همان‌گونه که در جدول ۳ مشاهده می‌شود مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری شفه نشان می‌دهد که هم در مردان و هم در زنان به ترتیب گروه‌های متأهلین بدون فرزند، متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده، متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان نمره بیشتری در ادراک انصاف کسب کرده‌اند. همچنین با توجه به سطوح معنی داری مشخص شده ($p < 0/05$) بین گروه متأهلین بدون فرزند با دو گروه متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی دار وجود دارد اما با گروه متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده تفاوتی وجود ندارد. همچنین بین دو گروه متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی داری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، در جهت تأیید فرضیه اول نشان داد که رابطه‌ی بین ادراک انصاف و چرخه‌ی زندگی خانواده یک رابطه‌ی منحنی است (بین ادراک انصاف مراحل ۱ و ۴ با مراحل ۲ و ۳ تفاوت وجود دارد). نتایج تحلیل واریانس عاملی نشان داد که بین گروه‌های چهارگانه از نظر ادراک انصاف تفاوت معنی داری وجود دارد. همچنین مقایسه میانگین نمره‌ها با استفاده از روش پیگیری شفه نشان می‌دهد که به ترتیب گروه‌های متأهلین بدون فرزند، متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده، متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان نمره بیشتری در ادراک انصاف کسب کرده‌اند. همچنین با توجه به سطوح معنی داری مشخص شده است که بین گروه متأهلین بدون فرزند با دو گروه متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی داری وجود دارد اما با گروه متأهلین دارای فرزند ازدواج کرده تفاوتی وجود ندارد. همچنین بین دو گروه متأهلین دارای فرزند خردسال و متأهلین دارای فرزند نوجوان تفاوت معنی داری وجود ندارد. همچنین بین ترکیب گروه‌های بدون فرزند و دارای فرزند ازدواج کرده با ترکیب گروه‌های دارای فرزند خردسال و دارای فرزند نوجوان از نظر ادراک انصاف تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج تحقیق جیل سویتز (۱۹۹۱)، پترسون (۱۹۹۰)، شیفر و کیت (۱۹۸۱)، تراپمن و هاتفیلد (۱۹۸۳) مطابقت دارد؛ و بر اساس احتمالات زیر تبیین می‌شود:

یکی از عواملی که باعث نامتعادل شدن روابط می شود تولد فرزند است، تولد فرزند باعث کاهش رضایت زنان از نقش های مساوی می شود. دیلوی^۱ و برومن^۲ (۲۰۰۱) در پژوهش خود دریافتند که رضایت از تقسیم کار همراه با رویدادهای زندگی تغییر می کند و این تغییر بیشتر در گذار به مرحله والد شدن در زوجین جوان دیده می شود. از طرف دیگر عوامل متعددی در قضاوت و ادراک افراد از منصفانه یا غیرمنصفانه بودن رابطه شان با همسرشان نقش دارد. از جمله این عوامل ویژگی های شخصیتی و دیدگاه سنتی یا غیر سنتی اشخاص است. می توان گفت در اوایل ازدواج مردان باورهای جنسیتی سنتی تری دارند؛ اما در اواخر ازدواج این عقاید تعدیل می شوند. این امر را می توان تا حدی به دلیل نارضایتی زنان از نقش های سنتی و چالش با همسران شان در این مورد دانست بنابراین می توان گفت در ازدواج هایی که تا مراحل پایانی ادامه یافته اند میزان اعتقاد مردان به نقش های مساوی بالاتر است؛ که این مسئله می تواند افزایش ادراک انصاف در مراحل پایانی را توجیه کند.

تبیین دیگری را که می توان برای افزایش ادراک انصاف در مرحله آخر به آن اشاره کرد این است که ممکن است در سال های پایانی ازدواج، به دلیل کاهش سلامتی زوجین، زنان و مردان نقش مراقبت کنندگی یکدیگر را ایفا کنند که این امر منجر به تقسیم کار مساوی بین زوجین می شود. علاوه بر آن مناگان (۱۹۸۳) نشان داد رهسپار شدن آخرین فرزند باعث افزایش معناداری در میزان تساوی زوجین می شود به نظر می رسد این امر بخصوص بین زنان اهمیت زیادی داشته باشد شواهدی وجود دارد که نشان می دهد زنان هنگام جدا شدن فرزندان از خانه و یا ازدواج فرزندان تغییرات روان شناختی مثبتی را تجربه می کنند (گلن^۳، ۱۹۷۸). یافته پژوهش در پاسخگویی به سؤال دوم، نشان داد که بین متأهلین زن و مرد از لحاظ ادراک انصاف تفاوت معنی داری وجود ندارد. به عبارت دیگر، مردان و زنان متأهل از ادراک انصاف تقریباً یکسانی برخوردارند. همچنین، تعامل بین گروه ها (گروه های چهارگانه) و جنسیت (مرد و زن)، نیز معنی دار نیست، که نشان می دهد بین گروه های حاصل از ترکیب سطوح مختلف جنسیت و گروه های چهارگانه از لحاظ ادراک انصاف تفاوت معنی داری وجود ندارد. یافته های پژوهش های پیشین نتایج متفاوتی را نشان می دهد، جیل سویتز (۱۹۹۱) نشان داد که رضایت از تقسیم کار خانگی که یکی از مؤلفه های اصلی ادراک انصاف است در زنان به صورت منحنی U شکل است در صورتی که برای مردان این چنین نبود. پترسون (۱۹۹۰) بیان می کند که ادراک عدالت برای مردان به صورت منحنی U شکل است در صورتی که این منحنی کمتر برای زنان معنادار است. فی نی و همکاران (۱۹۹۴) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که در مراحل مختلف زندگی ادراک انصاف برای زوجین متفاوت است و در ادراک انصاف تفاوت های جنسیتی وجود دارد. در تبیین این مسئله می توان به تفاوت های فرهنگی جوامع مختلف در ادراک انصاف اشاره کرد (شيفر و کیت، ۱۹۸۱؛ تراپمن و هاتفیلد، ۱۹۸۳)؛ یعنی اینکه در ادراک انصاف زنان و مردان عوامل فرهنگی مربوط به جامعه بسیار تأثیرگذار است و می تواند جهت و میزان ادراک انصاف را تحت تأثیر قرار دهد. در تبیین یافته ی پژوهش حاضر می توان گفت که عدم تأثیرگذاری جنسیت در میزان ادراک انصاف نشان دهنده این اصل مهم است که ادراک انصاف مبتنی بر اصل عدالت میان فردی است که به طور ضمنی در هر قرارداد و تعامل اجتماعی به چشم می خورد.

پژوهش حاضر نشان داد که قرار گرفتن افراد در مراحل مختلف چرخه ی زندگی بر میزان ادراک انصاف افراد، بسیار تأثیرگذار است. از این رو، لازم است در برنامه های آموزشی، مشاوره ای بر مراحل چرخه ی زندگی و مهارت های متناسب با هر مرحله توجه ویژه مبذول شود. شناخت تأثیرگذاری چرخه ی زندگی بر ادراک انصاف در پرتو یافته های این پژوهش، می تواند باعث گسترش و

1. Dillawy

2. Broman

3. Glenn

غناى بیشتر نظریه‌های موجود در زمینه ادراک انصاف شود. محدودیت‌های مربوط به جامعه‌ی آماری پژوهش (زنان و مردان داوطلب در دسترس) و نوع پژوهش (غیرآزمایشی)، محدودیت‌هایی را در زمینه‌ی تعمیم‌یافته‌ها و اسنادهای علت‌شناختی متغیر-های موردبررسی مطرح می‌کنند که باید در نظر گرفته شوند.

منابع

- خجسته مهر، رضا. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دل‌بستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در شهر اهواز. پایان نامه دکترای روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فرامرزی، سحر. (۱۳۸۸). بررسی نقش ادراک انصاف در کیفیت زناشویی در کارکنان متأهل شهر اهواز. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- کاوند، مهری. (۱۳۹۰). بررسی رفتارهای فداکارانه، انگیزه‌های فداکاری و ادراک انصاف با صمیمیت زناشویی در والدین دانش‌آموزان مقطع ابتدایی شهر بروجرد. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه شهید چمران اهواز.
- Cheal, D. (1991). *Family and the state of theory*. New York: Harvester wheatsheaf.
- Dillaway, H., & Broman, C. (2001). Race, class, and gender differences in marital satisfaction and division of household labor among dual-earner couples. *Journal of Family Issues*, 22(3), 309-327.
- Feeney, G., Peterson, C., & Noller, P. (1994). Equity and marital satisfaction over the family life cycle. *Journal of personal relationships*, 1, 83-99.
- Frisco, M. L., Williams, K. (2003). Perceived housework equity, marital happiness, and divorce in dual-earner households. *Journal of Family Issues*, 24, 51-73.
- Glenn, N. D. (1998). The course of marital success and failure in five American year marriage cohorts. *Journal of Marriage and Family*, 60, 569-576.
- Gottman, J. M., & Notarius, C. I. (2000). Decade review: Observing marital interaction. *Journal of Marriage and Family*, 62, 9-12.
- Grote, N. K., & Clark, M. S. (2001). Perceiving unfairness in family: cause or consequence of marital distress? *Journal of Personality and Social, psychology*, 80(2), 281-293.
- Jill suitor, G. (1991). Marital quality and satisfaction with the division of house hold labor across the family life cycle. *Journal of Marriage and Family*, 53, 221-232.
- Kapinus, C. A., & Johnson, M. P. (2003). The utility of family life cycle as a theoretical and empirical tool. *Journal of Family Issues*, 24, 155-184.
- McGoldrick, M., & Carter, B. (2003). *The family life cycle*. In F. Walsh (Ed). Normal family processes, growing diversity and complexity (pp. 99-123). New York: Guilford press.
- Peterson, C. C. (1990). Husbands and wives perception of marital fairness through The family life cycle. *International. Journal of aging and human development*, 31, 179-188.
- Schafer, R. B., & Keith, P. M. (1981). Equity in marital roles across the family life cycle. *Journal of marriage and family*, 43, 359-367.
- Traupmann, G., & Hatfield, E. (1983). How important is marital fairness over the life span? *international Journal of aging and human development*, 17(2), 89-101.